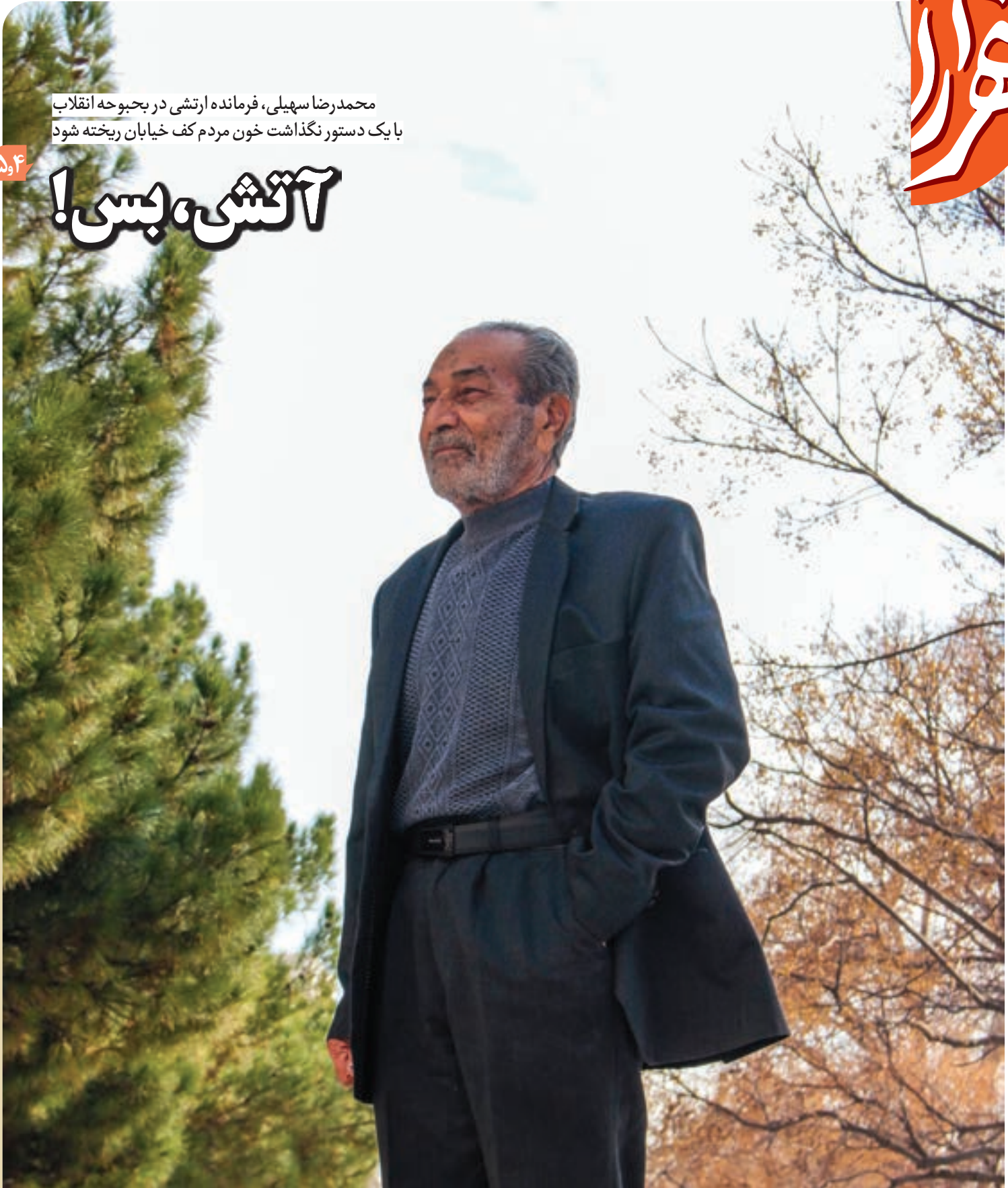




محمد رضا سهیلی، فرمانده ارتشی در بحبوحه انقلاب
با یک دستور نگذاشت خون مردم کف خیابان ریخته شود

۵۴

آتش، بسی!



عکس: فاطمه حسینی/شهرآرا

منتخبان پنجمین دوره شورای اجتماعی محلات
منطقه ۸ از رویکرد شورا می‌گویند

پلی مطمئن بین اهالی و شهرداری



با پیگیری شهرآرا محله و با همت شهرداری منطقه ۷
مشکل نبود سطل زباله در بولواری پرترد در رفع شد
خدمت در بولواری خدمت

قصه‌های شبانه مادر باعث علاقه نونهال
محلله شهید بهشتی به کتاب خوانی شد
سفر بی پایان در دنیای کتاب



با پیگیری شهرآرامحله و با همت شهرداری منطقه ۷، مشکل نبود سطل زباله در بولوار پرتدد رفع شد

خدمت در بولوار خدمت

محبوبه فرامرزی ادر حاشیه بولوار خدمت تا چشم کار می‌کند، تریلی و کامیون است که توقف کرده‌ و راننده‌ هایشان یاد نبال قطعه اند یا منتظرند تعمیر خودرویشان تمام شود و بروند دنبال کارشان. این انتظار گاهی یک صبح تا عصر طول می‌کشد. معمولاً راننده یا شوfer بالای سر خود رومی ماند تا اگر قطعه ای لازم بود، برود تهیه کند و کارش زودتر راه بیفتد؛ علاوه بر این حواسش به ماشینش باشد. در این مدت، شوferها کنار درخت‌ های حاشیه بولوار استراحت می‌کنند. هر چه می‌خورند، زباله اش را همان وسط معبر نصفه و نیمه بولوار رها می‌کنند. چون سطل زباله ای دور و برشان نیست. نبود سطل زباله آن هم در معبری که روزانه صدها نفر به آن رفت و آمد دارند، مشکلی بود که حسابی داد مغازه دارهای این محدوده را در آورده بود و با پیگیری شهرآرامحله و همکاری شهردار منطقه، این معضل به سرعت رفع شد.



مقابل دکه قرار دارد و جوان، بطری آبیوه و پلاستیک روی کیک را داخل آن سطل می‌اندازد. او که شوfer کامیون است، می‌گوید: تا حالا چند باری مسیرم به این خیابان افتاده است. اینجا هم تعمیرگاه خودروسنگین زیاد دارد و هم لوازم یدکی فراوان. برای همین صاحب ماشین تأکید می‌کند در بولوار خدمت، ماشین را تعمیر کنیم. به گفته محسن عفتی «این محدوده امکاناتی برای مراجعه کنندگان ندارد، یکی دو سطل زباله که جای خود دارد!» او به زباله های وسط معبر اشاره می‌کند: انگار برای شهرداری مهم نیست کوجه ها و خیابان ها در این محدوده تمیز باشد.

تذکرهای بی فایده

تذکر مغازه دارهای بولوار خدمت به مشتری ها و شوferهایی که در این خیابان رفت و آمد دارند و زباله هایشان را در خیابان رها می‌کنند بی فایده است. چون در جواب تذکر می‌گویند «چه کار کنیم؛ کاغذ ساند و یچمان را هم بخوریم؟ شما در این خیابان سطل زباله می‌بینید؟»

به ظهر نرسیده خیابان کثیف است

حسن علیزاده با جاروی دسته بلند زباله هایی مثل دستمال کاغذی و ته سیگار و... را از مقابل مغازه اش جارو می‌کند. او می‌گوید: هر روز حجم زیادی زباله در خیابانمان رها می‌شود. صبح رفتگر خیابان را تمیز می‌کند و به ظهر نرسیده، کلی زباله در گوشه و کنار دیده می‌شود. او ادامه می‌دهد: وقتی جایی تمیز است، حواس مردم هست که همین طور تمیز بماند اما وقتی معبری در عرض چند ساعت پر از زباله می‌شود، معلوم است که بقیه هم اهمیت نمی‌دهند و ته جاروی مغازه شان را هم داخل خیابان می‌ریزند. به گفته علیزاده، روزهایی که حجم زباله زیاد است، مجبورند همه را یک گوشه جمع کنند و بسوزانند.

انگار نظافت معبر مهم نیست

پسر جوان از دکه روزنامه فروشی آبیوه و کیک خریده است و با ولع مشغول خوردن آن است. سطل رنگ کهنه و رنگ و رو رفته ای

گزارشی که چاپ نشده به نتیجه رسید

از وقتی به این محدوده رفتیم و با مردم گفت و گو کردیم پیگیر رفع این مشکل از شهردار منطقه ۷ بودیم. پیگیری ها نتیجه داد و این معضل به سرعت رفع شد. بعد از مطرح کردن صحبت های مردمی با شهردار منطقه، او قول بررسی داد. مجید وحدتی پور تأکید کرد در اولین فرصت، عوامل خدمات شهری از خیابان خدمت بازدید خواهند کرد.

در فاصله کوتاهی پس از این وعده و تنها ظرف یک هفته، سه سطل زباله گالوانیزه در بهترین فضایی که کمترین مشکل را برای مغازه دارها ایجاد کند، در خیابان خدمت جانمایی شد.

هر روز صبح زباید زباله در فیابانمان رها می‌شود. صبح رفتگر فیابان را تمیز می‌کند و به ظهر نرسیده، کلی زباله در گوشه و کنار دیده می‌شود

روکش ولکه گیری آسفالت، درخواست شهروندان منطقه ۷

سمیرا منشادی ادر هفته ای که گذشت، مجید وحدتی پور، شهردار منطقه ۷ به همراه ناصر خجسته، معاون فنی و اجرایی منطقه ۷ به مرکز ۱۳۷ رفتند و به پنجاه تماس مردمی پاسخ دادند. بیشترین تماس ها به ترتیب مربوط به روکش ولکه گیری آسفالت، نظارت بر ساخت و سازها، مشاغل مزاحم و آلاینده و بهسازی پیاده روها و معابر بود.



شهردار محله پیگیری می‌کند

شهردار محله موضوع رفت و روب محله رباط طرق، جمع آوری زباله از خیابان شهیداصلانی و تامن و معضل مشاغل مزاحم بولوار شهیداصلانی و امام رضا (ع) را در هفته های آینده پیگیری خواهد کرد.

بهسازی پیاده رو و روکش آسفالت

این موضوع با ۱۱ تماس بیشترین درخواست شهروندان را به خود اختصاص داد. روکش آسفالت رباط طرق، بولوار شهیداصلانی، پل حافظ، بولوار شهید رستمی، خیابان سبحان و شهیدحنایی، بخشی از این درخواستها بود. بهسازی پیاده رو خیابان سبحان، شهیدسلطانی، شهرک ابوذر، بولوار شهیددایی نیز از سوی مردم مطرح شد.

مشاغل مزاحم

۲ نفر از ساکنان بولوار شهیداصلانی طی تماس تلفنی، درخواست جمع آوری تعمیرگاه های این خیابان را مطرح کردند. یک شهروند ساکن خیابان امام رضا (ع) نیز تقاضا کرد به کسبه ای که با پارک خودرو، پیاده رو خیابان امام رضا ۷۶ را می‌بندند، اخطار داده شود.

رفت و روب

شهروندان در ۳ تماس تلفنی، درخواست رفت و روب معابر و فرهنگ سازی درباره تحویل زباله در خیابان های رباط طرق، شهیداصلانی و تامن را مطرح کردند.

ترافیک

در حوزه حمل و نقل و ترافیک، یک تماس برای نصب سرعت گیر مقابل پروین اعتصامی ۹ ثبت شد.

ساخت و سازهای غیرمجاز

برای این حوزه، ۸ تماس تلفنی ثبت شد که شامل ساخت و سازهای غیرمجاز در خیابان های نقیبه فر، سحر، قائم (عج)، حاشیه کال طرق (شهیدرجایی)، شهیددایی، شهیدقاسمی و شهیدرجایی بود.

فضای سبز و هرس درختان

۲ نفر از شهروندان ساکن خیابان پروین اعتصامی و شهرک ابوذر طی تماس تلفنی، درخواست خود را در حوزه بهسازی فضای سبز به گوش مسئولان رساندند.

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۱۰۴۵۹۵۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.



«شبی در مسجد» در محله امام رضا (ع)

مراسم اعتکاف «شبی در مسجد» با هدف انس گرفتن کودکان و نوجوانان با فضای مسجد برگزار شد. این برنامه در تاریخ ۱۱ بهمن با حضور کودکان و نوجوانان مسجد امام حسن مجتبی (ع) و مسجد هنرمند محله امام رضا (ع) برگزار شد. شرکت کنندگان از نماز مغرب و عشا تا روز بعد در مسجد حضور داشتند و در این مدت، علاوه بر تلاوت قرآن کریم و گفت و گو درباره آموزه های دینی، فضایی شاد و دوستانه بین آن ها برقرار بود.



دستاوردهای انقلاب در مسجد حضرت محمد (ص)

نجمه موسوی زاده با آغاز دهه فجر، نمایشگاه دستاوردهای انقلاب اسلامی در مسجد حضرت محمد (ص) برگزار شد. آشنایی نسل جوان و نوجوان با تاریخ انقلاب و تأثیر آن بر جامعه از اهداف نمایشگاه بود. در این برنامه، دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه های پزشکی، صنعت، کشاورزی، سلامت، تحصیلی با آمارهای معتبر نسبت به قبل از پیروزی انقلاب سنجیده و روی کاغذ گلاسه چاپ شد تا در معرض دید عموم قرار گیرد. نمایشگاه مذکور به همت جوانان و نوجوانان مسجد و پایگاه بسیج شهید نامجو در شبستان مسجد دایر شد.

تنظیم هیجانانگیز در کتابخانه

کارگاه آموزشی «تنظیم هیجانانگیز» به عنوان بخشی از طرح «ترنم زندگی» از این هفته روزهای یکشنبه ساعت ۱۰:۳۰ صبح در کتابخانه دکتر شریعتی برگزار می شود. این کارگاه که پنج جلسه ادامه خواهد داشت، با حضور یک روان شناس مجرب و با هدف کمک به شرکت کنندگان در مدیریت هیجانانگیز و جلوگیری از خشم و تنش های روزمره برپا خواهد شد.

تنظیم هیجانانگیز از جمله مهارت های ضروری در زندگی مدرن است که به افراد کمک می کند در مواجهه با چالش های زندگی، واکنش های مناسب تری از خود نشان دهند. علاقه مندان می توانند برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به کتابخانه دکتر شریعتی مراجعه کنند. حضور در این کارگاه برای عموم آزاد و رایگان است.



دیوار مدرسه «انسیه» گلخانه شد

در اقدامی خلاقانه و آموزشی، دبستان دخترانه دوره اول انسیه واقع در محله شهید بهشتی، یکی از دیوارهای مدرسه را به گلخانه ای زیبا تبدیل کرد. این طرح با هدف آگاه سازی کودکان درباره مسائل زیست محیطی و اهمیت حفظ طبیعت اجرا شد. در قالب این پروژه، دانش آموزان با مشارکت فعال، گلدان های مختلف را به مدرسه آوردند و روی بخشی از دیوار که پیش تر فضایی بدون استفاده بود، نصب کردند. این اقدام نه تنها به زیبایی محیط مدرسه کمک کرد، بلکه به کودکان آموخت که حتی در فضا های کوچک و آپارتمانی نیز می توان به پرورش گل و گیاه پرداخت و با طبیعت ارتباط برقرار کرد.



زیرگذر میدان جهاد روکش آسفالت شد

شهردار منطقه ۸ مشهد از بهسازی و روکش آسفالت ۴۵۰ متر مربع زیرگذر میدان جهاد خبر داد. کاظم یزدان مهر گفت: زیرگذر میدان جهاد، یکی از بهترین مسیرهای دسترسی شهروندان به بزرگراه شهید سردار سلیمانی است. او ادامه داد: این عملیات یکی از مطالبات بحق شهروندان محله شهید بهشتی در نشست مردمی مسجد ولی عصر (عج) بود.



شهر خبر



انتقال آب شرب به بوستان کوهشار

با هدف تأمین آب رسانی پایدار و همچنین ایجاد شرایط مطلوب تر عملیات انتقال آب شرب به بوستان کوهشار اجرایی شد. در این پروژه آب رسانی با اعتبار ۱۵ میلیارد ریال از خط لوله سیدی به متر ۲ هزار متر طول از حاشیه بولوار نماز به این بوستان آب انتقال یافته و پروژه با همت عوامل اجرایی به پیشرفت ۶۵ درصدی رسیده است.

رنگ آمیزی جداول منطقه

عملیات رنگ آمیزی بیش از ۶ هزار متر طول از جداول منطقه ۸ در راستای طرح استقبال از بهار ۱۴۰۴ انجام شد. تاکنون جداول خیابان های ثامن الائمه (ع)، میدان دیدگاه، بولوارهای شهید خلیلی و شهید باباپور و خیابان گلستان شرقی، رنگ آمیزی شده است. شهرداری منطقه ۸ از شهروندان خواست هنگام رانندگی مراقب فیروزه پوشان باشند.

با پیگیری شهرآرامحله مقابل دبیرستان دخترانه حسن زاده اصفهانی سرعت گیر نصب شد

حفاظت از جان دانش آموزان



باز خورد

نجمه موسوی زاده ۲۰ آذر امسال در گزارشی از نبود سرعت گیر در کوچه ملک الشعراء بهار ۹ نوشتیم؛ کوچه ای فرعی که چهار مدرسه در پایه های مختلف تحصیلی را در خود جای داده است. نبود سرعت گیر سبب شده بود تنهادر سه ماهه آغاز سال تحصیلی، سه دانش آموز دبیرستان دخترانه حسن زاده اصفهانی تصادف کنند و در کنج خانه بنشینند. به دنبال این گزارش و پیگیری شهرآرامحله، حدود دو هفته پیش، داخل کوچه و در مقابل دبیرستان سرعت گیر نصب شد تا از بروز حوادث جلوگیری شود.



از تیم اسکورت شاه تاهمراهی انقلاب

داستان جلد



سهیلی چهره اش تکیده شده است و چین و چروک های عمیق دور چشم هایش، نشان از گذر سال های زیادی دارد. دستانش وقتی خاطرات تلخی را به خاطر می آورد، می لرزد. با تمام این تغییرات، حافظه اش در هشتاد و سه سالگی مانند ساعت کار می کند. ۴۶ سال از روزهای انقلاب می گذرد، اما او به راحتی خود را در همان لحظات و در لباس نظامی می بیند؛ انگار همین دیروز اتفاق افتاده اند. دوست و آشنا بسیاری از هم محله ای ها او را بایک و ویژگی می شناسند: «مردی که روزگاری جزو تیم اسکورت محمدرضا پهلوی بود و سال ۵۷ به انقلاب پیوست». برخی دیگر نیز این گونه خطابش می کنند: «حاج آقا سهیلی». همان مردی است که جلو خون و خون ریزی مقابل باغ ملی را گرفت. اما خودش داستانی بزرگ تر و شنیدنی تر از این دو ماجرا دارد. اصالتاً بیرجندی است. پدرش کارمند اداره دارایی بود و او را تشویق به ادامه تحصیل می کرد. آقا محمدرضا انگشتانش را در هم قلاب می کند و می گوید: آن موقع نوجوان های هم سن و سال من دنبال درس خواندن نبودند. من هم چون لباس نظام و آن آراستگی را دوست داشتم، برخلاف میل پدرم در هجده سالگی خودم را به ارتش معرفی کردم. سال ۲۸ بعد از ورود به ارتش، دوره های آموزشی مختلفی را گذراندم، مدتی را در بیرجند خدمت کردم. سپس به مشهد منتقل شد؛ دژبان لشکر بودم، اما یکی از آن جوان های پرشور و ماجراجو؛ از آن هایی که سرشان برای ماجراجویی درد می کرد. رانندگی با موتور را به خوبی بلد بودم، همین موضوع هم باعث شد به عضویت تیم تشریفات درآیم.»

با یادآوری آن روزها لبخند می زند و طعم خوش جوانی رامزه مزه می کند: «وقتی روی موتور می نشستیم، کسی به گرد پایم نمی رسید. آن قدر به من اعتماد داشتند که خیلی زود سرتیم تشریفات شدم. هر بار که شاه، فرح یا مقامات ارشد کشور به مشهد می آمدند، من و چند نفر دیگر سوار بر موتور آن ها را از فرودگاه تا حرم همراهی می کردیم.» سهیلی به آماده باش چندین گروه برای حضور شاه در مشهد اشاره می کند و می گوید: تیم حفاظت گارد شاهنشاهی از تهران شاه را همراهی می کردند. اما افسران راهنمایی و رانندگی، مأموران شهربانی و دیگر نیروهای شهر مورد نظر نیز در آماده باش کامل بودند. ما هم، به عنوان نیروهای نظامی سوار بر موتور، بخشی از تیم تشریفات بودیم. یعنی حفاظت از شاه به عهده ما نبود. او انگار در فضای آن روزها غرق شده است: همان طور که روی صندلی مقابلم نشسته، دستش را بالای می آورد و با انگشتانش عدد سه را نشان می دهد: «جلو تر از همه حرکت می کردم و با اشاره دستم، بقیه موتورسواران آرایشی را که مدنظر داشتم، به خود می گرفتند. مثلاً بان نشان دادن عدد سه، سه موتورسوار در یک ردیف قرار می گرفتند.» سال ها گذشت و او همچنان در ارتش خدمت می کرد. در این مدت، دوره های مختلف را می گذراند که یکی از آن ها، دوره بازجویی در تهران بود. اما اینکه چرا سهیلی از ارتش و نظام روی برگرداند، خود ماجرای دیگری است.

بخشی از تیم تشریفات بودم

زلزله طبس، جرقه ای برای تغییر مسیر

لحظه ای مکث می کند. انگار می خواهد تک تک آنچه را که دیده است، به دقت بازگو کند: «شهر یور سال ۵۷، تعدادی از نیروهای ارتش برای کمک به زلزله زدگان طبس اعزام شدند. اما من به عنوان عضو تیم تشریفات مأمور شدم که هنگام بازدید محمدرضا پهلوی، او را از لحظه پیاده شدن از بالگرد تا زمان بازدید همراهی کنم.» حضور در زلزله طبس و دیدن درد رنج مردم و نابسامانی های موجود، دل سهیلی را به درد آورده بود: «مردان وزانی را دیدم که با دست های خالی، خاک را به دنبال نشانه ای از خانواده شان زیر و رو می کردند. از سوی دیگر، کمک های مردمی مانند چادر، پتو، غذا که از کشورهای اروپایی و آمریکایی آمد، به دست زلزله زدگان نمی رسید.» سهیلی با ندوه ادامه می دهد: حتی به نظامی هایی که برای کمک آمده بودند، رسیدگی نمی شد. تعدادی از روحانیون به مردم آب و غذای رساندند. من دوره های مختلفی را به چشم دیده بودم. اما وقتی رنج مردم و حتی هم قطارهایم را دیدم که ۲۴ ساعت بدون حتی یک وعده غذایی مشغول کمک بودند، همان جابود که فهمیدم دل این حکومت برای مردم نسوخته است. بعد از بازگشت از طبس، نگاه سهیلی به نظام تغییر کرد. با اوج گرفتن هیاهوی انقلاب از آذرماه، اونیزی سروصدا هوای انقلاب را داشت.

محمدرضا سهیلی، فرمانده ارتشی در بحبوحه انقلاب با یک دستور نگذاشت خون مردم کف خیابان ریخته شود

آتش بس!

نجمه موسوی زاده اشنیدن صدای شعار دادن ها برایش طبیعی شده بود. اما وقتی صدای شلیک گلوله می آمد، چیزی درونش تکان می خورد. روز اول صدای شعار آمد و بعد از آن، صدای شلیک گلوله. بی درنگ خودش را به بالای ساختمان و مقر فرماندهی رساند. در آن لحظه، تصویر وحشت زده مردان وزانی که در حال فرار بودند، جلو چشمانش نقش بست. برخی روی زمین دراز کشیده بودند. انگار امیدی به پناه گرفتن نداشتند. در این میان، صدای تیز افسر نگهبان بلند شد: «تیربارچی، آتش!» اما هنوز کلام افسر به پایان نرسیده بود که سهیلی فریاد زد: «کسی حق تیراندازی ندارد!» محمدرضا سهیلی، رئیس دژبانی ارتش در روزهای پرتنهاب انقلاب ۵۷، شاهد لحظات تلخ و شیرین بسیاری بوده است. او اکنون در محله امام خمینی (ره) زندگی می کند و هر سال، با نزدیک شدن به سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، خاطرات آن روزهای پرتلاطم دوباره در ذهنش زنده می شود؛ خاطراتی که انگار قرار نیست هیچ گاه از خاطرش رنگ ببازد.



سمت جدید سهیلی

بالینکه سال‌ها از آن زمان گذشته است، همچنان نمی‌خواهد نامی از ارتشی‌های آن دوران ببرد؛ «با بالا گرفتن اعتراضات مردمی، حکومت نظامی شروع شد. در آن زمان، رئیس‌م به عنوان مجری حکومت نظامی در شهر منصوب شد. مردمی شاه دوست که ارادت خاصی به خاندان پهلوی داشت.»

سهیلی خوب به یاد دارد که رئیسش، بادو محافظ و یک راننده از شرایط حکومت نظامی سوء استفاده می‌کردند. آن‌ها شب‌ها در شهر می‌چرخیدند و با قوطی رنگ، شعار دیوارهایی را که روییشان «مرگ بر شاه» و «درد بر خمینی» نوشته شده بود، تغییر می‌دادند. حتی گاهی شعارهای جعلی می‌نوشتند تا انمود کنند مردم هنوز طرفدار حکومت هستند. او تعریف می‌کند: «دی ماه ۵۷، با اوج‌گیری اعتراضات انقلابیون، همین رئیس شاه دوستم، از ترس اینکه مردم به مقرر فرماندهی‌اش هجوم بیاورند، به بهانه بیماری سر خدمت حاضر نشد. از طرفی، چند روزی بود که از معاونش هم خبری نبود. در چنین شرایطی، فرمانده لشکر ۷۷ به صورت شفاهی و موقت، سهیلی را که فرمانده تأمین و حفاظت دژبانی بود، به عنوان جانشین و رئیس دژبانی ارتش منصوب کرد. حالا فرصت برای او فراهم شده بود؛ فرصتی برای جلوگیری از کشتار و همراهی با مردم.»



نقشه‌ای برای ایجاد تفرقه

روزی نبود که خبری از اعتراض مردم نباشد؛ تظاهرات پرتنگ تر شده بود و مردم به صورت علنی، مخالفت خود را اعلام می‌کردند. حکومت نظامی هم نتوانسته بود جلوانقلابیون را بگیرد. سهیلی از روزهای نزدیک به واقعه ده‌دی مشهد این‌طور برایمان تعریف می‌کند: «خانه تعدادی از مستشاران آمریکایی در خیابان پاستور بود. همیشه دو دژبان به عنوان محافظ در

مقابل این خانه‌ها نگهبانی می‌دادند. مترجم آمریکایی‌ها پیش سهیلی آمد و از او خواست تعداد نگهبان‌ها را اضافه کند؛ «به او گفتم باید به لشکر بگویم؛ اگر موافقت کردند نیرو می‌فرستم. لشکر هم با این موضوع موافقت نکرد.» یکی از روزهای دی ماه سال ۵۷ انقلابیون مقابل خانه مستشاران آمریکایی جمع شدند و می‌خواستند وارد خانه شوند. دژبان که نگهبانی می‌داد، به آن‌ها گفت اگر متفرق نشوند، ناچار است جلوان‌ها بایستد. در همین حین، یک نفر از انقلابی‌ها پنهانی از دیوار خانه بالا رفت و دو دژبان را دستگیر کرد. مردم آن دو نفر را به مسجد کرامت و نزد آیت‌الله شیرازی بردند.

سهیلی که ادامه ماجرا را از یکی از راننده‌های مستشاران شنیده است، این‌گونه برایمان تعریف می‌کند: «دژبان هادر حیاط منتظر تصمیم انقلابی‌ها بودند که تعدادی از ساواکی‌ها بالباس شخصی آمدند و به آن‌ها گفتند که انقلابیون می‌خواهند شما را اعدام کنند؛ بهتر است فرار کنید» و آن‌ها را با یک آمبولانس فراری دادند اما دژبان‌ها را در میدان شهدا اعدام کردند تا بین ارتش و مردم تفرقه ایجاد کنند.



فریادی که جان‌ها را نجات داد

از زمانی که مسئولیت گرفته بود، باید نامه‌هایی را که از پایتخت می‌رسید، جواب می‌داد و حسابی سرش شلوغ بود. آن موقع دژبانی درست کنار مهمان سراي ارتش نزدیک باغ ملی قرار داشت. یکی از روزها تعداد انقلابیون نسبت به روزهای قبل بسیار بیشتر شده بود و فریاد اعتراضشان

بلندتر از همیشه به گوش می‌رسید. سهیلی که در دی سال ۵۷، شنیدن چنین صداهایی برایش عادی شده بود، همچنان مشغول کار بود که ناگهان صدای شلیک گلوله شنید؛ «نفهمیدم چطور خودم را به مقرر فرماندهی لشکر رساندم. صحنه‌ای که می‌دیدم برایم دردناک بود؛ مردان و زنانی که هراسان به دنبال جان‌پناه می‌گشتند. در همین حین افسر نگهبان با اشاره به تیربارچی گفت شلیک کن!» او که تا این لحظه روی صندلی نشسته است و گاهی با ابروان در هم کشیده و گاهی بالبخند از خاطراتش تعریف می‌کند به اینجای ماجرا که می‌رسد. از روی صندلی بلند می‌شود و انگار دوباره در همان لحظه سرنوشت ساز قرار گرفته است. صدایش اوج می‌گیرد: «از ته دل فریاد زدم کسی حق تیراندازی ندارد! افسر نگهبان معترض شد. جلو آمد و خواست قانع‌کننده. به او گفتم اینجا من تصمیم می‌گیرم که چه زمانی تیراندازی شود؛ نگذار مجبور شوم توبیخت کنم!» غائله آن روز ختم به خیر و بادستور سهیلی جلو کشتار مردم گرفته شد.



آخرین مأموریت

سهیلی می‌گوید که ارتش از قبل برای فرار شاه آماده بود، اما بیشتر نظامیان تصور می‌کردند که محمدرضا پهلوی پس از مدتی باز خواهد گشت؛ او ادامه می‌دهد: «ارتشی‌ها از وضعیت موجود خسته شده بودند. کشتن هم و وطن و دیدن شرایط سخت حکومت نظامی برایشان دشوار بود. همان موقع امام خمینی^(ره) فرمان داد که «ایران کشور شماسست و ملت ایران ملت شماسست؛ به ملت بپیوندید.» با این فرمان، بسیاری از سربازان از یادگان فرار کردند و ارتشی‌ها دیگر تمایلی به مقابله با مردم نداشتند. سهیلی همچنان در دژبانی حضور داشت تا بتواند با ارتباطی که با برخی از انقلابیون برقرار کرده بود، جلو فرماندهان شاه دوست را بگیرد؛ «شنیده بودم که رئیس ضد اطلاعات ارتش و تعدادی از فرماندهان قصد فرار دارند. کسانی که از نزدیک می‌شناختم، همان موقع به یکی از سربازان و وظیفه‌ای که می‌دانستم از انقلابی‌هاست، سپردم تا به خانه آیت‌الله شیرازی برود و بپرسد تکلیف چیست.»

جواب آیت‌الله شیرازی برای سهیلی این بود که درنگ جایز نیست و دستگیرشان کنند. وقتی سهیلی با چند نفر از سربازان قصد داشت از دژبانی برای دستگیری فرماندهان خارج شود، خبر رسید که ماشین رئیس ضد اطلاعات لشکر وارد محوطه شده و تعداد دیگری از فرماندهان همراه او هستند. می‌گوید: «آن‌ها آمده بودند تا لباسشان را عوض کرده و فرار کنند. همراه چند سرباز به اتاق آن‌ها رفتم و از طرف دیگر به یکی از سربازان گفتم نزد آیت‌الله طیبی بروم و تقاضای کمک کند.»

سهیلی در آنجا موفق به دستگیری فرمانده عملیات، فرمانده تیپ، رئیس ضد اطلاعات، رئیس ستاد و چند نفر دیگر شد؛ «پنج شش فرمانده را دستگیر کردم. ابتدا اقرار بود چند سرباز، فرماندهان را همراه با اسلحه و فشنگ‌هایی که در یادگان داشتیم به مسجد کرامت ببرند و تحویل دهند. اما بعد تصمیم گرفتیم خودم این کار را انجام دهیم.»



مواجهه با خشم مردم در خیابان ارگ

خیابان ارگ (امام خمینی کنونی) نزدیک دژبانی، پر از جمعیت معترض بود. سهیلی سوار بر جیب همراه باد و ماشین دیگر که فرماندهان و سربازان را حمل می‌کردند، به سمت مسجد کرامت حرکت کرد. هنوز راه زیادی نرفته بودند که یک نفر از میان جمعیت فریاد زد: «این ارتشی‌ها برادر من را زیر چرخ‌های تانک کشتند!» همین جمله کافی بود تا جمعیت به سمت ماشین‌های ارتش حمله کنند.

سهیلی با دیدن جمعیت روی کمانه جیب ایستاد و اسلحه‌اش را از ضامن خارج کرد؛ تعریف می‌کند: «باید جمعیت را کنترل می‌کردم؛ بنابراین فریاد زدم «من به دستور آیت‌الله شیرازی این افراد را باید تحویل دهم و اجازه نمی‌دهم مویی از سرشان کم شود.» هنوز حرفش تمام نشده بود که دو مرد قوی هیکل زیر پایش را گرفتند و از روی ماشین بلندش کردند. ترس و دل‌پهره به جانش افتاد. نمی‌دانست باید چه کند؛ آیا شلیک کند؟ از سربازانش کمک بخواهد؟ فرماندهانی را که دستگیر کرده بود، تسلیم کند؟ او تعریف می‌کند: «همان لحظه صدای حسین نواختی، یک از انقلابیون را که مرا از روی زمین بلند کرده بود، شنیدم که به شکلی که جمعیت بشنود، گفت «درود بر سهیلی!»

سهیلی همان‌طور که روی دست به مسجد کرامت برده می‌شد، ماشین‌ها نیز پشت سرش حرکت می‌کردند؛ «وقتی فرماندهان را تحویل دادم، آیت‌الله... طیبی به من گفت آن جمعیت انقلابی را برای حمایت و کمک به من فرستاده است تا از جانم محافظت شود.» این هاتنها بخشی از اتفاقات آن دوران است. سهیلی خاطرات بسیاری دارد و می‌تواند ساعت‌ها از آن روزها حرف بزند و از آن لحظات بحرانی و تصمیمات سختی که برای کشور و انقلاب گرفته است، بگوید.

منتخبان پنجمین دوره شورای اجتماعی محلات منطقه ۸ از رویکرد شورا می‌گویند

پلی مطمئن بین اهالی و شهرداری

راه تجربه



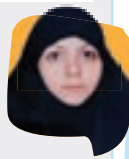
نجمه موسوی زاده از وقتی شوراهای اجتماعی محلات شکل گرفت تا امروز، بخشی از خلأ ارتباط مردم با شهرداری پر شد. به طوری که اعضای شوراهای اجتماعی که همان ساکنان، کسبه، جوانان و بانوان هستند، با عضویت در این تشکل تلاش کردند مشکلات، درخواست‌ها و موضوعات محله خود را به گوش مدیران شهری برسانند و در راستای آبادانی محله خود کوشیدند.

با روی کار آمدن پنجمین دوره شورای اجتماعی محلات، با منتخبانی گفت‌وگو کردیم که در دوره گذشته نیز عضو شورا بودند تا از اقدامات و ضعف‌ها و قوت‌های تشکل مردمی محله خود بگویند.

درخواست فعال سازی دفاتر تسهیلهگری

مریم فاتحی، عضو شورای اجتماعی محله سرشور

دوسالی می‌شود که عضو شورای اجتماعی محله هستم. تفاوت باز محله سرشور با بسیاری از محلات در این است که این محله بافت تاریخی و هویتی دارد؛ به همین دلیل نیازهای آن متفاوت است. مانند کوچه‌ها و خانه‌های قدیمی‌اش. خیابان‌های سرشور هم کهنه است و نیاز به بهسازی دارد. این موضوع یکی از درخواست‌های ساکنان این محله است.



خوشبختانه در این دوره با اجرای مصوبه شورای اجتماعی محله، کف‌سازی سرشور و کوچه‌آیت... خامنه‌ای اجرایی شد. همچنین در بازار سرشور نزدیک مسجد ذوالفقار، فضای خوبی به عنوان پاتوق محله مهیا شد که باز خوردهای خوب و مثبتی به دنبال داشت.

تا چند سال پیش، دفاتر تسهیلهگری در محله فعالیت می‌کردند و پل ارتباطی با اهالی بودند و با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، رونقی به محله داده بودند. پیشنهاد می‌کنم دوباره فعالیت آن‌ها در محله شروع شود.

سامان دهی کوچه امام خمینی ۷۴

حسین فراز آمد، عضو شورای اجتماعی محله امام رضا (ع)

پنج سال است عضو شورای اجتماعی هستم. در این مدت از طریق مصوبات شورا، اقدامات مختلفی برای اهالی انجام شده است؛ نصب سرعت گیر در کوچه‌های فرعی با هدف افزایش ایمنی اهالی، بهسازی پیاده‌روهای خیابان امام رضا (ع) و امام خمینی (ع) و همچنین رسیدگی به درختان خشکیده و پرخطر از جمله کارهایی است که در دو سال گذشته انجام شد.

هنوز درخواست‌هایی از سوی اهالی به اعضای شورا منتقل می‌شود که یکی از آن‌ها کمبود سرانه فضای سبز است. محله امام رضا (ع) در نزدیکی حرم مطهر قرار دارد و بیشتر بافت آن، تجاری و هتل آپارتمان است و در این محدوده، بوستانی برای ساکنان وجود ندارد. موضوع دیگر مربوط به عقب نشینی کوچه امام خمینی ۷۴ است که سال‌هاست قرار است انجام شود. به طوری که تاکنون سه شهردار از این مکان بازدید کرده‌اند اما اتفاقی نیفتاده است. امیدوارم در این دوره بتوان اقدام درستی برای رفع آن انجام داد.

به نظر من ضعف شورا کم رنگ شدن مصوبات عمرانی است. در این دو سال، بیشتر موضوعات فرهنگی اجرایی شد؛ معتقدم فعالیت عمرانی و فرهنگی در کنار هم اثرات مثبتی برای محله دارد.



به نظر من ضعف شورا کم رنگ شدن مصوبات عمرانی است. در این دو سال، بیشتر موضوعات فرهنگی اجرایی شد.



رشد قارچ گونه مطب پزشکان

محمد حسین خوشنویس، عضو شورای اجتماعی محله جنت

بهسازی پیاده‌روهای خیابان رازی غربی، آخوند خراسانی ۲۴، کوچه جنب باغ‌ملی، از مصوبات این دوره شورا بود که اجرایی شد.



بازسازی نمای خیابان امام خمینی (ع)، چهار طبقه و جنت از مصوباتی بود که مقرر شده بود دفتر تسهیلهگری آن را دنبال کند ولی هنوز به جایی نرسیده است. به نظر من ظرفیت شورای اجتماعی محلات بسیار زیاد است و اعضای آن می‌توانند ضمن ارتباط با ارگان‌های مختلف، مواردی را که به عنوان گلایه و درخواست از سوی ساکنان و کسبه مطرح می‌شود، پیگیری کنند؛ البته به شرطی که این نمایندگان در جلسات حضور داشته باشند و جلسات شکل پویاتری به خود بگیرد.

یکی از مشکلاتی که بارها از سوی ساکنان به ما منتقل شده و در جلسات شورا آن را مطرح کردیم، مربوط به بافت خیابان چمران است. خیابانی که کم‌کم دارد تبدیل به مکانی برای مطب پزشکان می‌شود و معضلات ترافیکی و بهداشتی بسیاری برای اهالی به دنبال دارد. به شهرداری پیشنهاد کردیم مجوز حضور پزشکان را تنها به ساختمان‌های تجاری بدهند تا شاهد رشد قارچ گونه مطب پزشکان نباشیم.

بی بهره از حداقل امکانات

غلامرضا اسلامی، محله آبشار

دو سال عضو شورا بودم و به دلیل اینکه شورای اجتماعی محله توانست در سال‌های اخیر با ارگان‌های مختلف ارتباط بگیرد، برای بار دوم امسال نیز داوطلب شدم. ویژگی محله آبشار این است که با وجود موقعیت مکانی خوب، از حداقل امکانات بی بهره است.



در دوره چهارم پیگیر درخواست‌های مردم از جمله ناوانی، تقویت حمل و نقل عمومی، نصب پل عابر پیاده، مرکز خرید، مدرسه، مسجد و... بودیم. با بازدید فرماندار و شهردار منطقه توانستیم زمینی برای مسجد و بنای فرهنگی تحویل پیمانکار بدهیم و همچنین سازه پل عابر پیاده به محله منتقل شد که به زودی نصب خواهد شد.

امیدواریم در این دوره با اعتمادی که به ما شد، سایر نیازهای اهالی محله خود را پیگیری کنیم و به نتیجه مطلوب برسیم.

بهسازی پیاده‌رو مقابل درمانگاه

بابک گورزاده، عضو شورای اجتماعی محله شهید بهشتی

۹ سال است عضو شورا هستم. خط‌کشی عابر پیاده، نصب چراغ‌های خطر و پل عابر پیاده در مقابل مدارس بولوار شهید نامجو از جمله مصوبات شورای اجتماعی محله شهید بهشتی در دو سال گذشته بود. البته درخواست ایمن‌سازی پل‌های هوایی و روشنایی ایستگاه‌های اتوبوس از سوی اهالی به ما منتقل می‌شود و دنبال رفع این مسائل نیز هستیم.

بهسازی پیاده‌رو مقابل درمانگاه حیان، از دیگر مصوبات شورای اجتماعی محله شهید بهشتی بود که دعای خیر اهالی را برای ما و شهرداری به دنبال داشت.



باتوجه به نزدیکی محله به بوستان کوهسنگی، یکی از مشکلاتی که بارها از سوی مردم به ما منتقل شده، مزاحمت‌هایی است که امنیت محله را زیر سؤال می‌برد. کار خانواده‌ها به جایی رسیده است که از رفت و آمد فرزندانشان در مسیر پارک ترس دارند. به دنبال این هستیم که این موضوع را از طریق کلانتری و شهرداری پیگیری کنیم.

ارتباط خوب با اهالی

طیبه سرایی، عضو شورای اجتماعی محله امام خمینی (ع)

به دلیل برگزاری برنامه‌های مختلف در محله، ارتباط خوبی با مردم و شهرداری داشتم و برای اینکه بتوانم درخواست‌های اهالی را به مسئولان شهرداری منتقل کنم، از هفت سال پیش تاکنون عضو شورای اجتماعی هستم.



شاید بهترین اتفاقی که برای اهالی محله امام خمینی (ع) در این دوره رقم خورد، بازگشایی اراضی پادگان ارتش بود. این موضوع باعث شد دسترسی به ناوگان حمل و نقل عمومی که یکی از درخواست‌های اهالی بود، اتفاق بیفتد و دانش‌آموزان و ساکنان خیابان ثامن الائمه (ع) نتوانستند از حصار خارج شوند و از مسیر خط ۸۶ استفاده کنند.

شناسایی و معرفی و پلمب انبارهای دیپوی ضایعات در محله، یکی دیگر از مصوبات این دوره شورا بود که به رفع مشکلات محیط زیستی ساکنان کمک کرد.

ایجاد فضای ورزشی و ویژه بانوان از موضوعاتی بود که بارها در جلسات شورا مطرح شد و امیدواریم مطابق قول شهرداری با بهره‌برداری کامل از پروژه بوستان جهان شهر، این فضای بانوان تعلق گیرد. قطعاً رسیدن به نتیجه، این موضوع را پیگیری می‌کنم.

همه نمایندگان اعضای شورای اجتماعی محلات شهرداری منطقه ۸ یک درخواست مشترک داشتند: اختصاص مکانی ثابت به عنوان دفتر شورای اجتماعی محله برای ارتباط بهتر مردم و همچنین معرفی آن‌ها با نصب بنر در محله خودشان.

جشن تکلیف ۱۴۲ دانش آموز دبستان نرجس ۲ در مسجد صاحب‌الزمان (عج) برگزار شد

شکفتن در بهار بندگی

عیدگاه

هدیه بگیرند. این موضوع باعث شده است خوشحالی شان دوچندان شود.

او که سال‌های گذشته هم در جشن تکلیف شرکت داشته، معتقد است برنامه امسال پرهیجان‌تر است. او ادامه می‌دهد: چادرها بسیار زیباست و کیفی که به بچه‌ها داده شده، ذوق و شوقشان را برای انجام فرایض دینی بیشتر کرده است. به نظر می‌آید بچه‌ها را با این دلخوشی‌ها به عبادت علاقه مند کرد.

به گفته او خانواده‌ها هیچ هزینه‌ای برای کیف نماز و برگزاری مراسم امروز پرداخت نکرده‌اند و همه چیز کاملاً رایگان بوده است.

ارتباط و تعامل بهتر با مسجد

فرمانده حوزه بسیج منطقه شهیداصلانی که از برگزارکنندگان جشن تکلیف مدرسه نرجس ۲ است، با اشاره به اینکه این جشن با همکاری ارگان‌های مختلف سرگرفته، توضیح می‌دهد: برگزاری جشن را از سه سال قبل برای مدارس پهنه سیدی شروع کرده‌ایم. هر سال یک مدرسه را انتخاب و برای اجرای برنامه ریزی می‌کنیم. به عنوان مثال، سال گذشته با هماهنگی‌هایی که انجام شد، جشن را در حرم رضوی برگزار کردیم.

ناهد هریوندی بیان می‌کند: امسال برای ۱۴۲ نفر از دانش‌آموزان مدرسه نرجس ۲ در مسجد جشن تکلیف برگزار کردیم. هدفمان از برگزاری این نوع برنامه‌ها افزایش ارتباط و تعامل دانش‌آموزان با مسجد است.

او می‌افزاید: بخشی از هزینه‌های جشن را خیران تقبل کردند و بخشی هم ضمن هماهنگی با معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۷، پایگاه نورالنبی^(ص) و بسیج ناحیه کمیل پرداخت شد.

آماده برای رمضان

نادیا دادیان، الهه میرزاده و صدف ملکی، دوست و هم‌کلاسی هستند. می‌خواهند وضو بگیرند تا برای نماز جماعت آماده شوند. نادیا خوش‌بین‌تر است و اولین نفری است که پاسخ پرسش‌هایم را می‌دهد. قبل از اینکه به سن تکلیف برسد، خانواده‌اش او را با مسائل دینی مانند احکام وضو، نماز، روزه، حجاب آشنا کرده بودند. خوشحال است که به سن تکلیف رسیده است و می‌گوید: قبل از این با مادرم نماز می‌خواندم. سال قبل چند روز روزه گرفته بودم. اما امسال خودم را آماده کرده‌ام که همه روزه‌هایم را بگیرم. سارا و زینب هم در حال مرتب کردن سجاده‌هایشان هستند. آن‌ها از اینکه کیف زیبایی هدیه گرفته‌اند، حسابی ذوق زده‌اند. زینب می‌گوید: وظیفه یک دختر مسلمان این است که حجابش را حفظ کند. مادرم برایم از کودکی چادر مشکی دوخته است. وقتی بیرون می‌روم، آن را سرم می‌کنم. چادرم را خیلی دوست دارم. از این به بعد باید بیشتر حجابم را رعایت کنم.

پرشورتر از قبل

در آشنی‌خانه مادرانی که عضوانجمن مدرسه هستند، آستین‌ها را بالا زده‌اند و عهده‌دار پذیرایی میهمانان حاضر در جشن تکلیف هستند. فرشته مکتب‌دار مادری که از دانش‌آموزان است، اومی‌گوید: دختران ما انتظار نداشتند که چنین کیف نماز زیبایی

سمیرا منشادی صدای شادی و جشن در مسجد صاحب‌الزمان (عج) خلیج ۶ پیچیده است. جشن تکلیف دختران دبستان نرجس ۲ شور خاصی به مسجد داده است. دختران در صف‌های مرتب کنار هم نشسته‌اند. چادرهای سفیدشان، با گل‌های ریز صورتی و قرمز، مثل شکوفه‌های بهاری روی شانه‌هایشان نشسته و مقنعه‌های سفید، چهره‌هایشان را قاب گرفته است. گاهی آرام به دوست کناری شان لبخند می‌زنند و گاهی با ذوق به برنامه‌ای که در حال اجراست، چشم می‌دوزند. مجری با انرژی و لبخند، مسابقه‌ای شاد اجرا می‌کند. صدای خنده‌های ریز و شیرین بچه‌ها میان فضای مسجد می‌پیچد. عطر دل‌نشین اسپند در هوا پیچیده است. این جشن باشکوه با همکاری پایگاه نورالنبی^(ص) و بسیج ناحیه کمیل و نیز معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۷ برگزار شده است.



قصه‌های شبانه مادر باعث علاقه نونهال محله شهید بهشتی به کتاب خوانی شد

سفر بی پایان در دنیای کتاب

امید محله

تخیل و داستان‌گویی ام‌از آن‌ها بهتر است. هنگام صحبت کردن در جمع مسلطم و همیشه برای صحبت با دوستانم پیش قدم می‌شوم.

در اوقات فراغت چه کاری انجام می‌دهی؟

در خانه ماقانون استفاده نکردن از تلفن همراه وجود دارد. فقط آخر هفته‌ها و چند ساعت، اجازه بازی با گوشی را داریم. بیشتر زمان‌های فراغتم را نقاشی می‌کنم یا کار دستی درست می‌کنم. در کارهای خانه هم به مادرم کمک می‌کنم. اگر تابستان باشد، خانوادگی به پارک می‌رویم یا دوچرخه سواری می‌کنیم.

برای آینده‌ات چه برنامه‌ای داری؟

چون به حیوانات علاقه دارم، دوست دارم دام‌پزشک شوم.

چطور توانستی به مقام اول کتاب خوانی دست پیدا کنی؟

فروردین امسال بود که از طرف آموزش و پرورش مسابقه کتاب خوانی برگزار شد. کتابی را معلم معرفی کرد. کلیپی از کتاب خواندنم با همکاری مادرم تهیه و ارسال کردم. بعد از داوری متوجه شدم که به عنوان کتاب خوان برتر انتخاب شده‌ام و در مراسمی از من تقدیر کرده‌اند.

اگر روزی مسئولیتی در زمینه کتاب خوانی داشته باشی، چه کاری انجام می‌دهی؟

کتاب‌ها را ارزان‌تر می‌کنم. می‌دانم کتاب گران شده است و همه نمی‌توانند آن را خریداری کنند. کتابخانه‌های بزرگ با جدیدترین کتاب‌ها و بهترین امکانات در محله‌های مختلف شهر می‌سازم تا همه به کتاب دسترسی داشته باشند.

بقیه خانواده همه اهل مطالعه هستند؟

یکی از تفریحات اعضای خانواده ما این است که به کتاب فروشی‌های مختلف برویم و کتاب بخریم. مادرم فرهنگی و دوستدار کتاب است. اودراوقات فراغت مطالعه می‌کند و الگوی من و خواهرم است.

چه کتاب‌هایی را برای مطالعه انتخاب می‌کنی؟

آن زمان که کوچک تر بودم، به داستان علاقه داشتم. حالا بیشتر کتاب‌هایی را دوست دارم که درباره جانوران و کهنکشان است.

مطالعه چه تأثیری روی تو داشته است؟

مادرم برایم تعریف کرده است که زودتر از هم‌سن‌وسال‌هایم حرف زدن را یاد گرفتم. علاوه بر این همه می‌گویند دایره لغاتم بیشتر از دوستانم است. قدرت

سمیرا منشادی مطالعه یکی از تفریحات زهرا خباز هشت ساله است. او از هر فرصتی برای خواندن کتاب‌های مورد علاقه‌اش درباره جانوران و کهنکشان‌ها استفاده می‌کند. زهرا توانسته است رتبه اول کتاب خوان برتر ناحیه ۳ آموزش و پرورش را به دست بیاورد. حالا او به اتفاق خواهرش، کتابخانه کوچکی با حدود صد جلد کتاب داستانی و علمی دارند. این دختر ساکن محله بهشتی می‌گوید برخی از کتاب‌های داستانی‌اش را که دیگر نمی‌خواند، به کتابخانه مدرسه یا محله‌شان اهدا کرده است.

چه مدت است که به کتاب خوانی علاقه مند شده‌ای؟

قبل از اینکه خواندن و نوشتن را یاد بگیرم، مادرم بعضی از شب‌ها هم خواهرم قبل از خواب برایم کتاب داستان می‌خواندند.

بعد از اینکه به مدرسه رفتم و خواندن و نوشتن را آموختم، هر زمان که فرصت داشتم، خودم کتاب می‌خواندم.

خودت را به جای شخصیت‌های داستان هم می‌گذاشتی؟

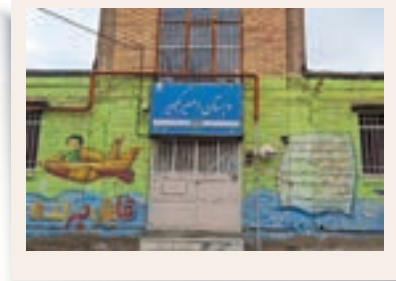
زیاد این کار را انجام می‌دادم. از عروسک‌هایم کمک می‌گرفتم و بر اساس آنچه شنیده‌ام در تصویرهای کتاب دیده بودم، نمایشی اجرا می‌کردم.





اداره کل نوسازی و تجهیز مدارس خراسان رضوی در سال ۹۵ دبستان پسرانه اسماعیل ثابت را در این معبر بنا کرد؛ دبستانی که در نوع خود منحصر به فرد است و امکانات هوشمند آموزشی را داراست.

یکی از اولین بناهای این معبر، دبستان امیرکبیر است که سال ۱۳۵۴ احداث شد. پایه‌های چهارم تا ششم ابتدایی در این مدرسه قدیمی تحصیل می‌کنند. این بنا به سرعت به آبادانی معبر اضافه کرد.



معبر آموزش و ورزش

محبوبه فرامرزی اسال ۵۴ در بیابان‌های حاشیه شهر در محدوده منطقه ۸ چراغ یک خانه روشن شد. اولین ساکنان خیابان شهید نامجوی ۲۳ گل بی بی و شوهرش بودند که برای فرار از مستأجری، قطعه زمینی خریدند و یک اتاق در آن ساختند. تا سال ۶۰ هنوز این معبر برق نداشت. به مرور، زمین‌های اطراف به فروش رسید و آبادانی به محله آمد. حالا نامجوی ۲۳ معبری است که امکانات خاص ورزشی و آموزشی دارد.

کوچه نامجوی ۲۳
محله شهید بهشتی



گل بی بی، اولین ساکن این معبر، می‌گوید سال اول سکونت، شب‌ها از ترس حمله گرگ و شغال تا صبح خواب نداشته است و برای شستن رخت و ظرفش، مسیر زیادی را طی می‌کرده تا به جوی آبی که در آن محدوده بود، برسد.

دبیرستان تیزهوشان شهید هاشمی نژاد ۴ مشهد نیز در همین کوچه شهید نامجوی ۲۳ قرار دارد. این دبیرستان امکاناتی چون اتاق مشاور، کتابخانه، آزمایشگاه، سالن کنفرانس و... دارد.



سالن ورزشی مهندس علی مهدیزادگان، ویژه بانوان وزیر نظر آموزش و پرورش ناحیه ۳ است و در رده‌های مختلف از مبتدی تا حرفه‌ای به بانوان، رشته‌های مختلف ورزشی مانند هندبال و والیبال را آموزش می‌دهد.